

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۹

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

سال نوزدهم، شماره ۷۳، پاییز ۱۴۰۱

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.19.73.16.6](https://doi.org/10.1001.1.20080514.1401.19.73.16.6)

مقاله پژوهشی

تحلیل مقوله زیبایی در اندیشه عطار با رویکرد به آراء فلوطین

۱ معصومه شکوری

۲ کورس کریم‌پسندی

۳ نعیمه کیلاشکی

۴ مریم شادمحمدی

چکیده

از زمان بی‌آغاز انسان هرگز نتوانست از چمبره صفت قدیسه زیبایی بی‌اعتنا بگذرد. به همین دلیل مقوله زیبایی همواره مورد عنایت فلاسفه و نظریه‌پردازان عرصه هنر و ادبیات بوده است. بدین جهت مقاله حاضر با استناد به مطالعات توصیفی و کتابخانه‌ای بر آن است تا به واکاوی واژگان هم‌سنگ زیبایی در اشعار عطار بپردازد و آنگاه با مکتب زیباشناسی فلوطین مقایسه نماید و مفارقت‌ها و مقارنت‌های دیدگاهشان را واکاوی نماید. بر اساس تتبعات انجام شده تصادمات افکار فلوطین و عطار بر آن است که زیبایی امری مدرج است چه در عالم محسوسات و چه در عالم مغیبات و ماهی جان انسان‌ها در سه بحر متفاوت زیبایی را درک می‌کند؛ دریای حس، دریای عقل و دریای روح. نکته قابل‌تأمل در بیان افتراق افکار آن دو، این است که عطار حزن و اندوه را بستری برای رسیدن به زیبایی جانان می‌داند اما فلوطین درک شادی‌های جمال الهی را زمینه‌ساز بهجت روح می‌بیند. علاوه بر این عطار که با مفهوم زیبایی از دیدگاه فلوطین مرافق است صبغه دینی و عرفانی را چاشنی درک زیبایی کرده است.

واژگان کلیدی:

زیبایی، فلوطین، عطار، حس، عقل و شهود.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. نویسنده مسئول:

Karimpasandi@iauc.ac

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

پیشگفتار

مفهوم واژه زیبایی بغایت گسترده دامن است و نمی‌توان آن را در حصار واژگان محبوس - کرد. (حدود دوهزار سال قبل) زیبایی مفهومی گسترده داشت و حدود و ثغورش نامعین بود اما به تدریج کرانه‌ها و دامنه‌هایش معین شد و تعریف زیبایی تخصصی‌تر گردید. به‌طور مثال: «در یونان باستان زیبایی را در اسطوره، دین، ادبیات، سیاست و معاشرت اجتماعی می‌ستودند». (ریتر، ۱۳۸۹: ۱-۳) همچنین در زمان یونان باستان در نزد عبریان مفهوم زیبایی از مفاهیم خوبی و ربوبیت جدایی‌ناپذیر بود. یونانیان زیبا و زیبایی را از خوب متمایز نمی‌دانستند. سافو می‌گوید: «آنچه زیباست خوب است و آنچه خوب است به‌زودی زیبا خواهد بود». (نیکلاس پاپاس و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۳-۹۴) «از قرن چهارم تا سوم پیش از میلاد مسیح زیبایی را با آنچه لذت‌بخش است برابر می‌دانستند. رواقیون زیبایی را با خوبی و فضیلت و درک این مقولات به معنای هماهنگی و تناسب برابر می‌دانستند. آنان دنیا و همه آفریدگان موجود در آن را زیبا و بیانگر نظم کیهانی و هماهنگی می‌انگاشتند». (همان: ۶۸) در کتاب ایرانیان باستان نیز به صراحت آمده است: «اهورا مزدا هرچه آفریده است همه خوب همه زیبا؛ زیرا مبدأ اول خود همه خوبی است و همه زیبایی، همه شکوه و هستی. همه‌اش خیر محض و محض خیر از او. هرگز بد و شر نیافریده است». (دورانت، ۱۳۶۹: ۲۰۰) به‌طور کلی باید اینگونه بیان نمود که گسترش معرفت و بصیرت در هر دوره‌ای، بستری را فراهم نمود تا مفهوم زیبایی به‌نحوی از انجا معنایی متفاوت به‌خود بگیرد. «اسدالله اشتری نویسنده مقاله «زیبایی» معتقد است زیبایی قابل‌تعریف دقیق نیست؛ زیرا مکان و زمان جغرافیایی، سن و سال افراد، ذوق و سلیقه اشخاص در تعیین مفهوم زیبایی نقش - دارد». نکته حائز اهمیت آنکه در دوران معاصر، تعریف زیبایی بیشتر به خودبنیادی بودن تأکید شده و زیبایی امری ذهنی قلمداد می‌شود.

با وجود نامنسجم بودن تعاریف متعدد از زیبایی، مقاله حاضر بر آن است تا مقوله زیبایی را از زاویه دید فلوطین و عطار بررسی کند؛ زیرا «زیبایی‌شناسی افلاطونی و نوافلاطونی قبل و بعد از اسلام از طریق جندی شاپور، مکتب حران و نهضت ترجمه رواج یافته بود». (نوشین، ۱۳۹۹: ۱۲۱) و شالوده نظریه زیباشناسی بسیاری از فلاسفه و عرفای بعد از خود شد. «فلوطین فیلسوف بزرگ یونانی چند بخش از کتاب خود را به مبحث زیبایی اختصاص داده است بدین جهت از حیث شمول و اثربخشی،

¹ Ritter

تمام فلاسفه ماقبل خود را تحت الشعاع قرار داد». (لطفی، ۱۳۶۶: ۱۱) درحقیقت باید اینگونه بیان نمود که «فلسفه فلوتین یک نظام فکری شرقی است». (پورجوادی، ۱۳۶۶: ۱۰۶۶) که «در ایجاد و رشد تصوف و عرفان موثر بوده است». (همایی، ۱۳۶۶: ۴۶۹) انعکاس افکار جمال‌شناسانه فلوطین در اشعار عطار از قبیل: زیبایی فلسفی، زیبایی عرفانی و زیبایی ترکیبی نمود دارد؛ زیرا «تأثیرپذیری حکمای مسلمان از دیدگاه فلاسفه یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان در باب زیبایی قابل تامل است». (کربن،^۱ ۱۳۷۳: ۵-۱) با وجود تفحصات زیباشناسانه در آثار عطار، عرصه پژوهش در باب مفهوم زیبایی همچنان مختوم نشده است. بدین جهت این مقاله بر آن است که به روش توصیفی و کتابخانه-ای دیدگاه آن عارف بزرگ را در باب زیبایی با توجه به مفاهیم ابیاتی که واژگان زیبایی و مترادفات آن وجود دارد استخراج کرده، سپس انواع زیبایی را در دستگاه فکری عطار بیان نماید آنگاه براساس دیدگاه فلوطین، در محک تطبیق و مقایسه قرار دهد و وجوه اشتراک و افتراق افکارشان را تحلیل نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

«انسان اگر بخواهد انسان باشد و به خصلت‌های انسانی برسد باید احساس زیبایی را در خود تقویت کند». (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۱۱) این احساس در دنیای امروز اهمیتی مضاعف یافته تا بدانجا که افراد هزینه‌های هنگفتی را به آن مهم اختصاص می‌دهند؛ زیرا از زیبایی آرمانی و حقیقی فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌اند. «در جهان امروز انسان از بحران‌ها و معضلات آشکار و پنهان رنج می‌برد و دلیل آن هم فراموش کردن حلقه واسط خود با دنیای آرمانی خویش است و در نتیجه با این تفکر و عمل قدم به قدم از مدار اندیشه زیباشناسی و میراث‌های معنوی خود دور شده است». (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۳: ۹۹) اما اگر جامعه امروزی به مفهوم واقعی زیبایی، تعریف یابد، زیبایی آرمانی در تاروپود جامعه سریان می‌یابد.

فلوطین و عطار

فلوطین خود درباره اصل و نسب و تاریخ تولد و تبار خود صحبتی نکرده است اما «هر مرد بزرگی آیندگان را ملزم به تفسیر خود می‌کند». (استرن،^۲ ۱۳۹۴: ۳۷) بعد از مرگ درباره او نوشته‌اند که در شهر لیکو، شهری در مصر، به دنیا آمده است. فلوطین نام رومی اوست اما به زبان یونانی صحبت می‌کرد. «شهرستانی در ملل و نحل، فلوطین را شیخ یونانی می‌نامد که نام اصلی او "پلوتینوس"^۳ بود». (تابنده گنابادی، ۱۳۶۰: ۲۸) و در محضر آمونیوک ساکاس شاگردی کرد و روحش را که تشنه دانایی بود سیراب نمود. فلوطین همچنین در زمان گردیانوس در معیت لشکر پادشاه به مشرق زمین سفر کرده بود

¹ Corbin

² Stern

³ Plotinous

تا از علوم مشرق زمین نیز مایه‌ورگردد. ازسوی دیگر عارفان و فلاسفه مشرق زمین نیز تحت‌تأثیر فحوای کلام فلوطین قرارگرفتند. تا بدانجا که معتقدند «اندیشه‌های فلوطین یکی از سرچشمه‌های عرفان اسلامی محسوب می‌شده‌است». (یثربی، ۱۳۹۲: ۱۳) عطار نیز عارف بزرگیست که ردپای افکار فلوطین را در آثارش می‌توان یافت. «او در شهر نیشابور در شایاخ یا قریه کدکن در اوایل سده ششم یعنی در سال (۵۱۳) هجری چشم به‌جهان‌گشود. درباره تاریخ تولد عطار (۵۳۷) هجری نیز ذکرشده‌است که اکثر مورخان از سال (۵۱۳) یادکرده‌اند. درباره وسعت معلومات عطار واضح است که احاطه کامل به قرآن، احادیث، تاریخ و حکمت داشته، او از تعالیم ادیان دیگر باخبر بوده‌است. ادبیات، موسیقی، فلسفه، ستاره‌شناسی و پزشکی را فراگرفته بود و به تمام شئون زندگی واقف بود». (مجدآبادی، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۲)

پیشینه پژوهش

رضا اشرف‌زاده و همکار، ۱۳۹۵، مقاله‌ای با عنوان "تأثیر افکار نوافلاطونی در عرفان اسلامی (خصوصاً در آثار عطار و مولوی)" به‌چاپ‌رسانده‌اند. رضا سیدحسینی، ۱۳۶۶، مقاله‌ای با عنوان "زیبایی" به‌چاپ‌رسانده‌است. نیکلاس پاپاس، استفن دیوید راس؛ یان ا. ارتسن؛ با ترجمه شجاعی هنرور، ۱۳۸۶، مقاله‌ای با عنوان "زیبایی" به‌طبع رسانده‌اند. حبیب‌الله دهمرده قلعه‌نو، ۱۳۹۷ مقاله «زیبایی‌شناسی کاربرد حروف الفبا و اعداد در آثار عطار» را به‌طبع‌رسانده‌است. مقالات فوق به‌طور مفصل به تبیین مفهوم زیبایی در ادوار گوناگون پرداخته‌اند همچنین دیدگاه فلوطین را درباب زیبایی بیان‌نموده‌اند؛ اما مقاله حاضر، مقوله زیبایی را با استخراج مفهوم ابیاتی که در آن‌ها واژه زیبایی و مترادفات آن از قبیل حُسن، جمال، صاحب‌منظر، رعنا و ... به‌کاررفته، از منظر مفاهیم زیباشناسانه و ارسائی‌می‌نماید و بیان‌می‌دارد که واژه‌ها در کدام دسته از تقسیمات زیبایی‌صوری، عقلی، عرفانی و شهودی می‌گنجند و در فرجام با دیدگاه فلسفی فلوطین درباب زیبایی، مقایسه‌می‌نماید.

تقسیم‌بندی زیبایی از دیدگاه فلوطین و عطار

«در آیات کلام‌الله وحی از زیبایی‌ها و مرایای طبیعی بسیار سخن‌رفته‌است و انسان را به تدبّر در آن توصیه نموده‌است». (جعفری، ۱۳۶۲: ۲۸۸) تطبیق شاهکارهای ادبی و آثار فلاسفه درباب زیبایی، گاه مملو از قرابت است و گاه سرشار از نگاهی غرابت مآبانه، با توجه به براعت استهلال فوق مقوله زیبایی از دیدگاه فلوطین و عطار به‌فصیل عبارت است از:

۱- زیبایی حسی

از زمان بی‌آغاز زیبایی بر حیات انسان‌ها حکمرانی می‌کند و انسان هرگز نمی‌تواند به این صفت قدیسه بی‌توجه باشد. برای درک این زیبایی خداوند در ذات انسان‌ها پنج حس ظاهر به ودیعه نهاده- است تا با دنیای اطراف ارتباط برقرار کند. انسان نیز با بهره‌گیری از حس مشترک پلی میان حس ظاهر و باطنی برقرار می‌کند؛ زیرا «زمانی که زیبایی با حواس درک‌شد به اندیشه راه می‌یابد». (نیوتن، ۱۳۸۱: ۳۷۵) «فلوطین در باب زیبایی حسی، هلن را مثال می‌زند که چه جنگ‌ها به خاطر زیبایی این زن رخ داد». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۸۰-۷۵) او معتقد است «زیبایی در دیدنی‌هاست در نحوه به هم پیوستن واژه‌ها و حتی در موسیقی؛ زیرا نواها و آهنگ‌ها هم زیبا هستند». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۱۱) عارفان هم از مردم و جامعه تفکیک‌ناپذیرند. آنان هم بنا به سرشت انسان بودن، زیبایی انطباعی و ظاهری را می‌بینند اما به این زیبایی‌ها غره نمی‌شوند و آبشخور آن را در ید قدرت احد بی‌همتا می‌دانند. به همین دلیل در صورت پرستی متوقف نمی‌شوند و آن را نردبان صعود به سوی زیبایی عقلانی و شهودی می‌دانند. درک زیبایی‌های حسی از نگاه مدقانه عطار عبارت است از:

۱-۱ زیبایی شبحی و سایه‌ای

«فلوطین زیبایی‌های حسی صیقلی را سایه می‌شمارد زمانی که نقاشی می‌خواست صورت فلوطین را نقاشی کند فلوطین اجازه نداد و چنین پاسخ داد: «سایه‌ای که طبیعت مرا پوشانده است کافی نیست می‌خواهید سایه سایه مرا همچون چیز دیدنی برای آیندگان بگذارید». (یاسپرس، ۱۳۶۲: ۹) «عالم حس و ماده، شبحی است از حق یا به تعبیر دیگر آینه‌ای است که پرده از راز مکتوم حق تعالی برمی‌دارد. خداوند می‌خواست خود را در آن آینه ببیند صفات حق تنها با عینی شدن آشکار می‌شدند پس غیر را آفرید تا خود را در صور و ظاهر ببیند و شفاف‌ترین آینه ظواهر انسان است که مقصود اصلی خلقت بود». (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۲۳)

ولی تو او نه‌ای تو عکسِ اویی از ان دایم جمیلی و نکویی

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۹۱)

صورت مرغان عالم سربه سر سایه اوست این بدان ای بی‌خبر

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

۲-۱ زیبایی‌های حسی موالیدی

«به نظر فلوطین در جهان اجسام آنچه زیبا خوانده می‌شود زیبایی‌اش ناشی از فعالیت روح است چون روح خدایست و خود جزئی از زیباییست». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج: ۱، ۱۰۸) اشعاری با مضمون توصیفات زیبایی غیر انسانی در آثار عطار کمتر به چشم می‌خورد با این وجود از دیدگاه ظریف عطار مغفول نیفتاده‌است و دنیای جمادات و نباتات عطار ذی‌روح هستند و صاحب زیبایی.

در آن گرمابه تختی بود زیبا بر او نه دست جامه جمله زیبا

(عطار، ۱۳۸۷: ۱۹۲)

سر تو چون نشیمن‌گاه سوداست سر تابوت را دستار زیباست

(همان: ۲۲۲)

خطش فتوی‌ده عشاق بوده به زیبایی چو ابرو طاق بوده

(همان: ۱۴۵)

اما به نظر فلوطین «کسی که به زیبایی‌های محسوس دل ببندد روحش در تاریکی فرومی‌رود و در جهان مردگان نابینا می‌ماند و جز سایه‌ها هم نشینی نمی‌یابد». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج: ۱، ۱۲۰) همچنین بیان می‌کند: «بعضی انسان‌ها در درک زیبایی از دایره حواس فراتر نمی‌روند و امکان خروج از درک محسوسات برایشان مهیا نیست؛ زیرا روح اسیر و پایبند جسم می‌شود». (یاسپرس، ۱۳۶۲: ۹۸-۹۹) در واقع سخن فلوطین به این معناست که «درک زیبایی دنیوی قدم نخست برای درک زیبایی و حقیقت باری تعالی است». (جعفری، ۱۳۶۲: ۲۸۸) همانگونه که بقلی شیرازی معتقد است: «چشم دریچه جان است و روح از آن دریچه عالم ملکوت را می‌بیند». (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۴) هگل نیز بر این عقیده است «اگر زیبایی‌شناسی را به تجربه حسانی (تجربی-استتیک) محصور کنیم در واقع به آن پایان داده-ایم چراکه نتوانسته‌ایم با شهود، آن را به تجلی مطلق منتج کنیم». (توحیدی‌فر و اسدی، ۱۳۹۸: ۲۲) عنایت عطار نیز به زیبایی‌های چهارطاق شش‌طناب، بسیار اندک است به نظر او حُسن و زیبایی ظاهری در هفته‌ای فنا می‌شود.

گل اگر چه هست بس صاحب جمال حسن او در هفته‌ای گیرد زوال

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۶)

چند گردی گرد صورت عیب جوی حسن در غیب است حسن از غیب جوی

(همان: ۳۳۲)

۳-۱ وصف جمال پیامبر در راستای جمال حق

«به نظر فلوطین اجسام و تن‌ها زیبایی در ذات آن‌ها وجود ندارد بلکه زیبایی آن‌ها از آنجاست که از زیبایی احدی بهره‌برند». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۳) صوفیه بر این عقیده است که پیامبر فرموده است «هرکس مرا دیده است حق را دیده است». (فروزانفر، ۱۳۷۵: ۷۳) پس زیبایی الهی در ذات پیامبر نمود دارد از سوی دیگر «عطار نیز در الهی‌نامه معتقد است تمام نعمت‌های جهان به خاطر پیامبر بر زمین نازل می‌شد». (خوشحال دستجردی، ۱۳۸۲: ۷۳-۱۰۲) بدین جهت توصیف زیبایی‌های پیامبر مورد عنایت عطار قرار دارد.

چون کسی را نیست حسن روی تو سیر مهر و مه به حسن رأی توست

(عطار، ۱۳۷۵: ۴۳)

دلبرم در حسن طاق افتاده است قسم من زو اشتیاق افتاده است

(همان: ۲۸)

۴-۱ وصف زیبا پسران

«فلوطین معتقد است زیبایی از طریق بهره‌یابی از نیروی صورت‌بخشی که از صور خدایی می‌آید وجود پیدامی‌کند». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۱۴) توصیف این روح‌های زیبا در چهره‌های مهوش پسران، در ادبیات ما جایگاهی خاص دارد. در باب این زیبایی‌ها پورجوادی معتقد است: «گاه عشق به مراد و گاه عشق به مرد جوان خوب روی در میان است». (پورجوادی ۱۳۸۵: ۵۳) توصیف حسن و رعنائی شاهدان پسر در اشعار عطار نیز کاملاً نمود دارد. البته باید اذعان نمود که در عرفان جمال‌پرستانه، شاهد بازی، با دیده عبرت صورت‌می‌گرفت و کوششی بود برای رسیدن به کشش‌های روحانی.

عطار در توصیف زیبایی پسران جوان چنین داد سخن می‌دهد:

به زیبایی گل سرخش به انصاف خطی سرسبز زیبا می‌دارد

(عطار، ۱۳۷۵: ۱۸۴)

پادشاهی ماهوش خورشیدفر داشت چون یوسف یکی زیبا پسر

(عطار، ۱۳۸۸: ۴۱۷)

۱-۵ توصیف زیبایی زنان

«کسانی که دارای احساسات و عواطف روحی هستند از راه زیبایی و دوستی طالب ذات مطلق می‌شوند». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۶) زن از آفریدگانیست که خداوند لطافت زیبایی و احساس را در

او به‌ودیه‌نهاده‌است. عطار در داستان‌هایش به توصیف جمال زنان بی‌شماری از جمله چهره‌های دینی تا غنایی پرداخته‌است. او نه‌تنها زیبایی صورتشان را به منصفه ظهور گذاشته، بلکه زیبایی سیرتشان را نیز به‌تصویر کشیده‌است. زنان را علاوه‌بر جمال دارای حُسن نیز می‌شمارد و حُسن همان است که فلوطین آن را با اخلاق یکسان می‌شمارد و اعتقاد دارد «دایره روی به مرکز خود دارد و همه شعاع‌ها از آن مرکز می‌آیند همه چیز در طلب نیکی است». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۸) و سیمای این حسن و نیکی در داستان‌های عطار نمودی آشکار دارد.

عطار در داستان زن صالحه صورت و سیرت زن را اینگونه توصیف می‌کند: کامکار وزیر دختری دارد «چنانکه جن و انس او را مشکلی نبود و در حسن و لطف او را ممائلی نی، حوری بود در هیات آدمیت و روحی بود در صورت بشریت» (دقایقی، ۱۳۴۵: ۱۸۸) توصیف مرحومه در داستان زن صالحه از زبان عطار:

زنی بودست با حسن و جمالی شب و روز از رخ و زلفش مثالی

(عطار، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

خوشی و خوبی بسیار بودش صلاح و زهد با آن یار بودش

(همان: ۱۳۱)

۲- زیبایی عقلی

«فلوطین معتقد است زیبایی روح از عقل است». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۸) «روح که فرزند عقل است اگر با فضایل پاک‌گردد خود ایده و خرد ناب می‌شود و از الوهیت که سرچشمه زیباییست بهره‌می‌برد و به‌سوی عقل صعود می‌کند». (همان: ۱۱۸) عرفای اسلامی معتقدند: «بدان اول چیزی که حق سبحانه و تعالی آفرید گوهری بود تابناک که او را عقل نام‌کرد اول ما خلق الله تعالی العقل». (سهروردی، ۱۳۸۸: ۲۸۱) همچنین معتقدند: «انسان صاحب دو عقل است: عقل معاش و عقل معاد؛ عقل معاش که وسیله تمیز است». (رازی، ۱۳۴۵: ۵۰) «عقل معاد که به تعبیر پیامبر نورست در قلب که فرقان حق و باطل است». (جامی، ۱۳۸۳: ۲۶۳) به نظر عطار عقلی که از کنه ذات خداوند نشانی ندارد چگونه می‌تواند به درک صحیح برسد و اگر هم مجال یاری عقل باشد چون ظرفیت وجودی انسان ناچیز است طغیانی در او به‌راه خواهد افتاد.

عقل چون از حد امکان بگذرد بلعمی گردد ز ایمان بگذرد

(عطار، ۱۳۸۸: ۴۲۴)

شاید اینگونه به نظر برسد «عطار از فلسفه بیزاری می‌جوید و بدان علاقه‌ای ندارد». (سبحانی،

۱۳۷۷: ۱۰۹) زیرا عطار از خود رسته‌است و به حق پیوسته و عقل و فلسفه برای او اعتباری ندارد

کاف کفر اینجا به حق المعرفه دوست تر دارم ز فای فلسفه

(عطار، ۱۳۸۸: ۴۳۹)

اما حقیقت آن است که «عطار ناخودآگاه فیلسوف و خودآگاه عارف بود». (پورجوادی، ۱۳۷۴: ۲۱)
زیبایی عقلی از دیدگاه ایشان عبارت است از:

۲-۱ درک زیبایی عقلی جمال لایتناهی الهی، از طریق قناعت به محسوسات

فلوطین بی نیازی را فقط متصف به ذات الهی می داند که از هر صفتی مبرا است. فلوطین به این جمله تا بدانجا معتقد است که می گوید: «اگر کسی اقرار به وجود خدا کند او را به صفت بودن، منسوب کرده درحالی که خدا بی نیاز از هر صفت است با این وجود تنها از آنچه برآمده است می توان شناختش؛ یعنی از طریق هستی». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۰۸۵)

چو نتوانی به ذات او رسیدن قناعت کن جمال صنع دیدن

(عطار، ۱۳۸۸: ۱۰۸)

به نظر عطار اگر وجود آدمی به عظمت زیبایی خورشید دسترسی ندارد به نور چراغی برای درک نیک منظر الهی بسنده کند؛ زیرا عقل جزئی انسان محدود بین است و گنجایش جمال کبرایی را ندارد. از سوی دیگر، فلوطین و عطار معتقدند فیضان زیبایی الهی بر بندگان هرگز اسباب کاستی را در ذات احد بی صورت فراهم نخواهد کرد

گر جمال جانفزای خویش بنمایی به ما جان ما گر درفزاید حسن تو کم کی شود

(عطار، ۱۳۷۵: ۳۴۹)

بنابراین شجره طیبه عقل نتوانست طوطی روح عطار را آرام کند؛ زیرا از دیدگاه او عقل جنبه درک تجلی ذات الهی را ندارد.

گر جمالش ذره ای پیدا شدی عقل از لایعقلی رسوا شدی

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۷)

آنگاه در وادی زیبایی شهودی و معرفتی طی طریق می کند.

۳- زیبایی شهودی و معرفتی

فلسفه از مادیات شروع می شود تا به تجرد می رسد. «خود فلاسفه پذیرفته اند که بر فراز معرفت فلسفی، معرفتی وجود دارد که پای پرواز دارد و آن معرفت شهودی است». (ریاضی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۶)
«در نوشته های سهوردی نیز آمده است که انسان جمالی را نمی طلبد مگر آنکه اثری از روحانیت و

نورانیت وجود داشته باشد». (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱: ۶۱۹) فلوطین معتقد است: «انسان‌ها چیزی برتر و عالی‌تر در درون خود دارند بی‌آنکه بدانند آن خود چیست». (باسپرس، ۱۳۶۲: ۳۱) آن چیز برتر همان روح است که زیبایی شهودی را درک می‌کند. زیبایی، دل را پرفروغ می‌کند. عطار نیز معتقد است: «زیبایی مطلق بی‌صورت، از طریق حس و عقل قابل‌درک نیست، بلکه از طریق شهود قلبی و فعالیت قوه تخیل به ادراک می‌آید». (پازوکی، ۱۳۸۲: ۶) انسان با بهره‌گیری از قوه تخیل می‌تواند به درک معرفتی صعود کند. تنها درگرو این حس است که انسان در دایره پرگار الهی جای می‌گیرد و به معرفت جمال حق می‌رسد.

گر نیکویی رویت یک ذره رخ نماید دو کون مست گردد از غایت نکویی

(عطار، ۱۳۷۵: ۸۵۲)

حُجَب و موانع رسیدن به زیبایی

انسان زیبایی‌های شهودی را تنها با چشم دل می‌تواند درک کند چشم ظاهری خود مانع و حجابی برای دیدن زیبایی حقیقی است. فلوطین نیز اذعان می‌دارد «برای رسیدن به قرب الهی باید چشم تن را بست و چشم دل باز کرد». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۱۰) همچنین معتقد است «اگر روح، خود را زیبا نکند زیبایی را نخواهد دید». (همان: ۱۲۱)

به نظر عطار این حجاب‌ها عبارتند از:

الف) سالک نفس نبودن

فلوطین معتقد است روح باید خالص باشد مادام که چیزی با خود دارد ممکن نیست او را ببیند عطار که رگه‌های عرفان فلوطینی دارد چنین می‌سراید:

تا زهر چو انگبین نگردد یک ذره جمـال او نبینی

(عطار، ۱۳۷۵: ۶۳۸)

ور تو مانی در وجود خویش باز نیک و بد بینی بسی و ره دراز

(عطار، ۱۳۸۸: ۲۶۷)

ب) عدم ظرفیت وجودی انسان‌ها

فلوطین معتقد است فیضان الهی زمانی که به درجه استکمال رسید سریان یافت و جهان خلق شد و انسان که تجلی ذات اقدس الهی است باید با چشم جهان‌بین، ظرفیتش را در درک شهودی و معرفتی به کمال رساند و اگر این گنجایش خالی باشد چون گویی سرگردان خواهد بود.

گر جمال یار می‌خواهی عیان چشم در خورد جمال یار کن
(عطار، ۱۳۷۵: ۶۶۷)
چون تاب جمال تو نیاوردیم سرگشته چو چرخ آسیا گشتیم
(همان: ۶۱۲)
همه عالم جمال و اواز است چشم کور است و گوش کر چکنم
(همان: ۵۸۵)
دور می‌باشم از جمال تو زانک طاقت انچنان جمال نیست
(همان: ۱۱۹)

ج) غیرت الهی

اگر حایل غیرت الهی نبود هستی فنا می‌شد. در حقیقت باید اینگونه بیان نمود که عشق پرورگار به مخلوقات و غیرت الهی نسبت به بندگان مانع رویت جلوه جمال الهی می‌شود.
تا ز ما ذره‌ای همی مانند تو ز غیرت جمال نمایی
(عطار، ۱۳۷۵: ۸۶۳)

د) آنانیت انسان، حجاب تجلی جمال الهی

فلوطین معتقد است: «چون در آنجا دویی وجود ندارد و بلکه نگرنده و نگریسته‌شده یکی بود و بهتر آن است که نگوییم نگرنده و نگریسته‌شده بلکه بگوییم یگانه‌شده از این رو نگرنده هنگامی که حالت خود را در آن لحظه یگانگی به‌یاد می‌آورد تصویری از او در خود دارد». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۰۹۳)

نکته قابل‌تأمل آن است که انسان در آن آینه به جای رویت جمال الهی خود را می‌بیند و این آنانیت، حجاب درک حسن پروردگار می‌شود.
تو آینه جمال اوایی و آینه تو همه جهان است
(عطار، ۱۳۷۵: ۸۵)
آینه دیداری جسم تو حجاب توست اندر تو پدیدآید چو آینه بزدایی
(همان: ۶۹۳)

ه- خودبینی و دل‌مشغولی به خود

خودبینی از آفات و حجاب‌هایی است که از زیبایی روح می‌کاهد. روح باید عاری از هر صفت رذیله باشد تا به جمال الهی نزدیک شود. «روح اگر زیبا نباشد زیبایی را نخواهد دید». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۱) انانیت «اعظم حجابی است که آدمی را از وصول به مرتبه فیوضات و بزرگ‌تر پرده- ای از برای انسان از مشاهده جمال سعادات» (نراقی، ۱۳۸۴: ۲۲۶) می‌باشد. همچنین؛ خودبینی «خودخواهی و درخودنگریستن است که مغایر با خدابینی است». (سجادی، ۱۳۸۱: ۳۷۴) عطار نیز خویش‌بینی را مانع دیدار حسن الهی می‌بیند.

چون تو مشغولی به زیبایی عیب کی توانی بود هرگز غیب‌بین

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۷۰)

انچه تو گم‌کرده‌ای گر کرده‌ای هست ان در تو تو خود را پرده‌ای

(عطار، ۱۳۸۶: ۴۳۸)

تفاوت دیدگاه فلوطین و عطار در باب زیبایی

به نظر فلوطین «روح چون با عالم معقولات مرتبط است همین که چیزی را می‌بیند که نشانی از خویشانش است شادمان می‌گردد و به جنبش درمی‌آید و با آن ارتباط برقرار می‌کند سپس به خود بازمی‌گردد و ذات خود را به یاد می‌آورد». (فلوطین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۱۳) عقیده فلوطین آن است که، انسانی که راز پرده الهی را دریافت و محرم پیغام سروش شد دست‌افشانی می‌کند آنگاه بر خود فرض می‌داند پاکان عالم را با خود همراه کند. حال این هنر انسان کامل است که آن احساس را به دیگران انتقال دهد. «این روح‌های شاد و پرنشاط قدرت تکاپو و جنبش دارند و می‌توانند چنان اوج بگیرند که از دایره عالم فراتر روند». (صادقی حسن‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۹-۷۸) اما شادی عطار با حزن عجین است. عطار شاعر تازیانه‌های درد است و «مسئله درد عنصر اصلی و خمیرمایه شعر اوست وقتی عشق و درد در شعر او به هم می‌پیچد شوری می‌آفریند که شور قیامت در مقابل آن سوز است و آتش دوزخ در مقابل آن افسرده و یخ‌زده. عطار حتی مزیت انسان را بر قدسیان افلاک و سبزپوشان آسمان همین درد می‌داند». (اشرف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۴) منظور عطار تردامن از درد «آمادگی روحی انسان است برای پذیرش امور ذوقی و روحانی و حرکت سالک به سوی مقصود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵۶۰)

یک ذره غم تو خوشتر آید از هر شادی که در جهان است

(عطار، ۱۳۷۵: ۸۷)

من چو فرهاد در غمش زارم کوبه حسن و جمال شیرین است

(همان : ۹۷)

در تار و پود جان عطار غم فراق از جمال الهی تنیده است. به نظر عطار حب الهی و شادی و شغف نمی تواند در خانه تنگ وجود بگنجد بدین دلیل همواره محزون است.

چون نمی بینم جمال روی دوست زین مصیبت روی در دیوار می

(عطار، ۱۳۷۵: ۸۱۲)

عطار چنین غمی را با هزار شادمانی جایگزین نمی کند. در واقع باید عطار را مصداق این سخن

بدانیم که «آنجا که اراده و اشاره حق باشد غم تبدیل به شادی می شود». (زرین کوب، ۱۳۸۲ : ۱۱۵)

نتیجه‌گیری

زیبایی از مقولات مورد عنایت فلوطین و عطار بوده‌است. فلوطین با مطالعه در آراء فلاسفه یونان به تضادها و ناتناسباتی درباب زیبایی پی‌برد. آنگاه با بصیرت و معرفت و با ادله به مرمت تعریف زیبایی پرداخت تا بدانجا که تعاریف جامع فلوطین مسیر عرفان را پیش روی عارفان ادوار بعد از خود گشود. مطالعات انجام‌شده در اشعار عطار با توجه به دیدگاه فلوطین منتج به این شد که رگه‌های (فلسفی و عرفانی) در هر دو شاعر به چشم می‌خورد. بر اساس دیدگاه آن دو، کان جمال حسن و زیبایی در ذات لایزال الهی مستقر است و زیبایی‌های دنیوی شبحی از زیبایی حقیقی هستند. بنابراین اگر انسان درونش را چون آینه زلال کند و رذایل اخلاقی را که چون زنگارست از این آینه بزاید نه تنها زیبایی حسی و عقلی بلکه به متعالی‌ترین درجه درک زیبایی؛ یعنی زیبایی شهودی و معرفتی دست خواهد یافت. همچنین معتقدند درد عظیمی که بر سالک این راه وجود دارد عدم درک جمال الهی است که نوشدارویی برای آن یافت نخواهد شد. با وجود قرابت اندیشه بی‌ظنیر بین این دو فیلسوف و عارف نقطه افتراقی هم قابل‌تأمل بود و آنکه فلوطین به شادی روح در بحث زیبایی معتقد است اما عطار شاعر درد است در درک زیبایی، نوشیدن شربت حزن را به هرآن شادی که در جهان است ترجیح می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی دینایی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، دفتر عقل و آیت عشق، سه جلدی.
۲. -----، (۱۳۸۱)، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، چ ۶، تهران: حکمت.
۳. استرن، رابرت، (۱۳۹۴)، هگل و پایداریشناسی روح، ترجمه محمد مهدی اردبیلی و سید محمد جواد سیدی، تهران: ققنوس.
۴. بقلی شیرازی، روزبهان، (۱۳۶۶)، عبهرالعاشقین، به اهتمام محمد معین و هنری کربن، چ ۳، تهران: منوچهری.
۵. پازوکی، شهرام، (۱۳۸۲)، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران: فرهنگستان هنر.
۶. پورجوادی، نصرالله، (۱۳۶۴)، درآمدی بر فلسفه افلوطین، چ ۲، تهران: نشر دانشگاهی.
۷. پورجوادی، نصرالله، (۱۳۵۸)، سلطان طریقت، تهران: آگاه.
۸. -----، (۱۳۵۸)، شعر و شرع، تهران: اساطیر.
۹. -----، (۱۳۷۲)، حکمت نی و تقدس زبان فارسی در کتاب بوی جان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. تابنده گنابادی، حاج سلطان حسین، (۱۳۶۰)، فلسفه فلوطین، چاپ سوم، تهران: صالح.
۱۱. جامی، عبدالرحمان، (۱۳۸۳)، اشعه المعات، ترجمه هادی رستگاری مقدم گوهری، قم: بوستان کتاب.
۱۲. جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۲)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، سازمان چاپ و انتشارات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. حیدری، ف، (۱۳۸۴)، ش، پنداره‌های یونانی، تهران: روزنه.
۱۴. دقایقی مروزی، شمس الدین محمد، (۱۳۴۵)، راحت الارواح، بختیارنامه به تصحیح ذبیح الله صفا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دوران، ویل، (۱۳۶۹)، لذات فلسفه، ترجمه ع، زریاب خویی، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۶. رازی، نجم الدین، (۱۳۴۵)، رساله عشق و عقل، به اهتمام تقی تفضلی، تهران: تهران.
۱۷. ریاضی، حشمت الله، (۱۳۸۱)، آیات حسن و عشق، سیر تصوف و عرفان تا قرن پنجم هجری، تهران: حقیقت.
۱۸. ریتر، یواخیم و دیگران، (۱۳۸۹)، فرهنگ نامه تاریخی مفاهیم فلسفی، ویراستاری محمدرضا بهشتی و بهمن. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، سرنی، چ ۸، تهران: علمی.

۱۹. سبحانی، توفیق، ه، (۱۳۷۷)، *تاریخ ادبیات ایرانی*، تهران: نشر پیام نور، ج ۳.
۲۰. سجادی، سید جعفر، (۱۳۳۸)، *فرهنگ اصطلاحات فلسفی*، به اهتمام حسام الدین قهاری، چاپ اول، تهران: چاپخانه سعدی.
۲۱. ----، ----، (۱۳۸۱)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، چ ۶، تهران: طهوری.
۲۲. سهروردی، یحیی بن حبش، (۱۳۸۰)، *مجموعه مصنفات*، تصحیح حسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۳.
۲۳. سهروردی، شهاب الدین یحیی، (۱۳۸۸)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ۴، جلد ۳.
۲۴. عطار، شیخ فریدالدین محمد، (۱۳۸۷)، *الهی نامه*، به مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
۲۵. ----، ----، (۱۳۷۵)، *دیوان عطار*، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، چاپ نهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. ----، ----، (۱۳۸۸)، *منطق الطیر*، به مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ویرایش سوم.
۲۷. ----، ----، (۱۳۸۸)، *اسرارنامه*، به مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، چاپ چهارم.
۲۸. ----، ----، (۱۳۸۶)، *مصیبت نامه*، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
۲۹. فلوطین، (۱۳۶۶)، *دوره آثار فلوطین*، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: خوارزمی.
۳۰. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۷۰)، *ش، ب، ا، احادیث مثنوی*، تهران: امیرکبیر.
۳۱. کربن، هانری، (۱۳۷۳)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه محمد جواد طباطبایی، تهران: کویر.
۳۲. لطفی، محمدحسین، (۱۳۶۶)، *دوره آثار فلوطین*، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، *احادیث مثنوی*، تهران: امیرکبیر.
۳۴. مجدآبادی، حمیدرضا، (۱۳۹۸)، *الهی نامه*، چاپ اول، انتشارات: پروان.
۳۵. نراقی، ملااحمد، (۱۳۸۴)، *معراج السعاده*، چاپ اول، قم: قائم آل محمد.
۳۶. نیوتن، اریک، (۱۳۸۱)، *معنی زیبایی ترجمه پرویز مرزبان*، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۷. همایی، جلال الدین، (۱۳۶۶)، *مولوی نامه (مولوی چه می گوید)*، جلد ۲، چ ۶، تهران: هما.
۳۸. ----، ----، (۱۳۵۴)، *مولوی نامه*، تهران: شورای فرهنگ و مرکز مطالعات هماهنگی فرهنگی.
۳۹. یاسپرس، کارل، (۱۹۵۷)، *فلوطین*، ترجمه محمد حسن لطفی، چ ۱، تهران: خوارزمی.

۴۰. یشربی، سید یحیی، (۱۳۹۲)، عرفان نظری، تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف، چ ۸، قم: موسسه بوستان کتاب.

مقالات

۱. اشرف زاده، رضا و بیرانوند، لیلا، (۱۳۹۶)، "سیر و سلوک عرفانی در دستگاه فکری عطار و سهروردی (با تکیه بر منطق الطیر، مصیبت نامه و مونس العشاق)" نشریه ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)، پاییز ۱۳۹۶، ش ۵۴، صص ۴-۱۰.
۲. اشرف زاده، رضا و پورفرج بیگ زاده، روجا، (۱۳۹۵)، مقاله "تاثیر افکار نوافلاطونی در عرفان اسلامی (خصوصاً در آثار عطار و مولوی)" نشریه: ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، بهار ۱۳۹۵، شماره ۴۸، صص ۷ تا ۴۰.
۳. استغن دیویدتراس؛ یان، آرتس؛ (۱۳۸۶)، "زیبایی" ترجمه شجاعی هنرور، فصلنامه هنر و معماری، نشریه زیبا شناخت، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۷، صص ۹۴-۶۳.
۴. توحیدی فر، نرگس و اسدی، سعید، (۱۳۹۸)، "تحلیل زیبایی پرستی عرفانی بر اساس فلسفه زیبایی شناسی با تاکید بر آرای هگل"، فصلنامه عرفانی و اسطوره‌شناختی، س (۱۵)، ش ۵۶، صص ۴۲-۱۳.
۵. خوشحال دستجردی، طاهر، (۱۳۸۲)، "بازتاب مفهوم صبر در آثار عطار" نشریه: دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۳۲ و ۳۳، صص ۱۰۲-۷۳.
۶. دهمرده قلعه‌نو، حبیب الله، (۱۳۹۷)، مقاله "زیبایی‌شناسی کاربرد حروف الفبا و اعداد در آثار عطار" نشریه زیبایی شناسی ادبی، تابستان ۱۳۹۷، ش ۳۶.
۷. -----، (۱۳۷۲)، ش ۴، مجموعه مصنفات، تصحیح و مقدمه سید حسن نصر با مقدمه و تحلیل.
۸. سید حسینی، رضا، (۱۳۶۶)، مقاله "زیبایی" در فصلنامه فلسفه و کلام، نشریه: معارف، فروردین ۱۳۶۶، شماره ۱۰، از صفحه ۱۲۱ تا ۱۳۲.
۹. صادقی حسن‌آبادی، مجید، (۱۳۸۶) "مقاله غم و شادی در تجربه دینی مولوی" دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، تیرماه ۸۶، شماره ۴۹، صص ۷۵-۹۰.
۱۰. نوشین، امین رضا، (۱۳۹۹)، مقاله زیبایی شناسی سعدی یا طور دیگر زیبایی شناسی در فرهنگ ایرانی - اسلامی نشریه سعدی شناسی، پاییز ۹۹، ش ۲۶، صص ۱۴۳-۱۲۱.
۱۱. نیکلاس پاپاس، استغن دیوید راس؛ یان ا. آرتسن؛ ترجمه شجاعی هنرور، در مقاله "زیبایی" در نشریه زیباشناخت هنر و معماری، زمستان ۸۶، شماره ۱۷، صص ۶۳ - ۹۴.

Analysis of the Category of Beauty in Attar's Thought with an Approach to Plotinus' View

Masumeh Shakury¹, Kuros Karimpasandi², Naeimeh Kialashaki³, Maryam

Shahmohammady⁴

PhD Student, Persian Language and Literature, Chalus Branch, Islamic Azad

University, Chalus, Iran

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Chalus Branch,

Islamic Azad University, Chalus, Iran. * Corresponding Author, Karimpasandi@iauc.ac

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Chalus Branch,

Islamic Azad University, Chalus, Iran

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Chalus Branch,

Islamic Azad University, Chalus, Iran.

Abstract

Since eternity without beginning (Azal), human has never been able to take no notice of the sacred attribute of beauty. That's why philosophers and theorists in the field of art and literature have always considered the category of beauty. Therefore, the present paper aimed to analyze the equal terms of beauty in Attar's poems based on descriptive and library studies, then compare it with Plotinus' school of aesthetics and investigate the differences and similarities of their viewpoints. According to conducted research, Plotinus' and Attar's thoughts collision showed that beauty is something graduated and whether in the sensible world or invisible world, it comprehends that human can figure it out in three different aspects of beauty: by sensation, by intellect and by soul. The provoking point of their different thoughts is that Attar finds sorrow as a way to achieve the beauty of the beloved one but Plotinus believes that understanding of the happiness of the divine beauty is the basis of spiritual enjoyment. Moreover, Attar agrees with Plotinus' viewpoint and gives a religious and mystical feature to the category of beauty.

Keywords:

beauty, Plotinus, Attar, sensation, intellect, intuition.